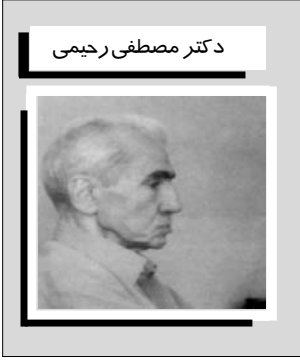


اندیشه دموکراسی در ایران (۲)



دکتر مصطفی رحیمی

اشاره:
در شماره گذشته، بخش نخست نوشتار شادروان مصطفی رحیمی به نظر شما خوانندگان فرهیخته رسید. در این بخش، اندیشه سیاسی ایرانیان باستان و نقش آن بر تفکرات جهانی مورد بررسی قرار گرفته است.

به موجب نوشته های این کتاب، پدر کوروش به فرزند خود هم آموزد که نباید اساس حکومت ترس مردم از زمامدار باشد، بلکه بهترین راه زمامداری آن است که فرمانروا رابطه خود و دیگران را رابطه ای بر مبنای دوستی و مردم داند. زمامدار باید پیش از عقد عهده ای بر سر بردارد و در نظر داشتن ایامت افراد باشد. به شرط رعایت اصل برابری، در نظر داشتن ایامت افراد باشد. عهده ای کوروش، برای تثبیت شخصیت میزان لیاقت میان خودی و بیگانه، پارسایی و غیر پارسایی نشانی چنانچه نامها اگر به آسبی نیازی داشته باشد، با انتخاب اسمی که کنید که خوب باشد و هرگز نمی پرسید که آن انتخاب اسم نامگ مردم است. او نیز با دوستی و صمیمیت است که می توان در قلوب پاران و همکاران (منهلو، سپاهیان است) حس احترام و همکاری به وجود آورده، با کسرو وحشت...

زنگونی هم می گوید که کوروش برای گرفتن جیره ی سربازی در صف سپاهیان می ایستاد و هر سرباهی در این هنگام حق هر گونه اعتراضی به رفتار کوروش نداشته است. و نیز کوروش در صف عهده ای تقسیم بندی جنگ بین سربازان بدر حضور جمع عقیده ی عموم آنرا می پرسد و در پایان کار می گوید که بشرط رعایت اصل برابری، در نظر داشتن ایامت افراد باشد. به شرط رعایت اصل برابری، در نظر داشتن ایامت افراد باشد. عهده ای کوروش، برای تثبیت شخصیت میزان لیاقت میان خودی و بیگانه، پارسایی و غیر پارسایی نشانی چنانچه نامها اگر به آسبی نیازی داشته باشد، با انتخاب اسمی که کنید که خوب باشد و هرگز نمی پرسید که آن انتخاب اسم نامگ مردم است. او نیز با دوستی و صمیمیت است که می توان در قلوب پاران و همکاران (منهلو، سپاهیان است) حس احترام و همکاری به وجود آورده، با کسرو وحشت...

این فرمازوه عقیده دارد که فتح کردن کشوری این حق را برای فاتح ایجاد نمی کند که مردم مغلوب را اسیر کند و جنگ حتی هنگامت باید جنگ نبند و بدین گونه است که زکرتون در پایان گفتار آتش جنگ به هم کشانوزان و مرد بین سپاه میباید سپاه نیز سربازان کنونیباشد. موقت شده در آغاز کت...

این یادشده که عقیده است: «همه چیز از تالیسپ شاهنشاهی، اداره کرد آن است. به مداران خود می گوید: در یوشودین لپاس سادس نم ننگه نمند، او از این می پالد که: «رفقار تالیسپ در دور از عدالت با احدی نداشته ام، و به نیروی تقوا و فضیلت خود ملل دیگر را اداره کرد. هر موجد چیز خاصی برای خود قایل نیستم، و به سربازان خود می گویم: «به روش و کردار من چشم بردوزید و مراقب باشید که من به وظیفه ی خود عمل کنم». او در مردم سوختن می کند که مردم مغلوب را اسیر کند و جنگ حتی هنگامت باید جنگ نبند و بدین گونه است که زکرتون در پایان گفتار خود واجب شمارید. بدین گونه است که زکرتون در پایان گفتار خود واجب نیستم که گیرد که: «کوروش خطیب میگوید: «من به نیرویی ملکنونی انسان را، پس از پرستش خدا بیست عدالت می دانست» و فرهاربازداران خود را فرزندانش خویش می شمرد. این مورخ، نیز عدالتخواهی ایرانیان را می ستاید و می نویسد: «در مدرسه، به بزرگ بودک عدالت می آموزند همچنان که ما کولونین و نوشتن را...

در بیان قوروس و وسطی، نخستین جوانه های اندیشه ی دموکراسی از این شاخه ی فکری نمودار شد که در دین از دولت ترسوندند بر است. در این اندیشه در ایران نیز شناخته بوده است. یکی از ارکان سیاست و حکومت کوروش آن بوده که برای فمل و اقوام مختلفی که اجزای امپراتوری ایران را تشکیل میدادند و به آزادی عقیده ی دینی و عبادت مغلوب بود و این نوعی است و مردم سادس که بر اصل اول حکومت کردن با مردم آگاهی داشت. می دانستد که این دین دولت ترسوند است. به همین جهت است که هرگز شورها را غارت نمی کرد و مبادر را ویران نمی ساخت. یکی از زمینه های اساسی دموکراسی، احترام به شخصیت انسانی و حیثیت بشری است. این معنی در روز رزشتنی به روشنی نمودار نمایان است. در یوردنگی و بعد از آنسار ناظر کارزاد نسبت، می تواند به پیروی از آن کمک کند. کارزاد تاثیر زنده و فعال دارد، اگر به اندیشه و گفتار و کردار یکدیگر برود، بیروزی نور کم رنگ دارد است، و اگر به دروغ و ظلم بگردد، بیروزی اثر کمتری را به پیش آورد است. «انسان، مطابق تعلیمات مذهب رزشتنی همچون پیادای

ایران شاه و حکام، قانونا را از دست دادند، اعتشاش، آنان را به جدایی افکند و ایمان خود را از دست دادند». بنابر این زمامداران باستانی از قانونی پیروی کنند که، نیوچهی به آن قانون موجب فساد و تباهی بوده است. اساسا تمدن (و عبارت دیگر فرهنگ و تربیت) خود بهترین محدود کننده و تصفیه کننده ی حکومت استبدادی است. صحت گفته ی مشهور موسکویسکو که حکومت استبدادی مخصوص وحشیان است از نظری دیگر نیز مجز می شود یعنی مردم حکومت استبدادی مطلق را تحمل نمی توانند کرد. امروز ما از جزئیات مقرراتی که حکومت را در ایران قدیم محدود می کرد بکلی می خیریم، اما در برابر دلایل زیادی که بر عظمت تمدن باستانی ایران داریم، و همین دلایل اگر نتواند آن جزئیات را آشکار سازد، لافلاقل وجود چنین مقرراتی را مسلم می دارد.

تمدنی که: «از همه ی تمدن کهن آسیای غربی، که خود یکی از برترین های بشر است، صرف نفرت دفاع کرد و در آن تخریب نجات نیابد». «سازمندی که: «بهرگز تبادل افکار و آرای علمی سراسر ایران میانه بوده، و با فرار دادن بیان در کنار علوم شرقی تا بسپار موثری در تاریخ علوم داشته است»؛ در آن هنگام که فلسفه ی یونان رانده بود. در امپراتوری ایران به وطن خود دور روی می آورد»؛ در سرزمینی ناچار حکومت بر پاهای جز زور نیز استوار بوده است.

گوستین در این باره می نویسد: «همه ی اقوام جهان برتری ایرانیان را داشته اند، خاصه در کمال دولت و... تا سیاسات ایالات... و... و... و... در سنگاری... در همه ی این مسایل برتری ایرانیان بر اقوام جهان مسلم بود. در این قوم سمرقند کسانی است که پس از عدالت در کارند، و اخلاق فاضله جز از او همکاری با این قوای خیر امام نمی شود. بر این اساس با احترام به شخصیت انسانی و عدالت پیروی است که: «ایرانیان نخستین ملتی هستند که شاهنشاهی جهانی ایجاد کردند که روح اغماض و عدالت است. که پیش از آن شناخته نبود، در آن کفرمقاوم بود. هرودوت مورخ مشهور یونانی از آزادی ایرانیان یاد می کند: «ایرانیان بهتر می دانند که بر روی زمین با سبیل امیر باشند تا این که در دشتی بند بگرداند که محصول آن بردگی باشد».

اقلاطون، حکیم بزرگ یونانی، درباره ی اندیشه ی آزادی و برابری در ایران قدیم چنین می گوید: «این عقیده است که ایرانیان در زمان کوروش به سوی آزادی رفتند تا بتوانند بر جمع آزادی از ملت های دیگر سروری کنند. این سربازان برای ملل تابع، آزادی به ارمان بردند و آنان را همتراز خود تربیت کردند. سربازان ایرانی آدوس سمردان خود بودند... در آن زمان همه چیز در ایران، در سایه ی آزادی دینی و همکاری به سوی پیشرفت بود. در ایران قدیم قدرت حکومت بوسلیه ی دین و آداب و رسوم ایرانی محدود می شده است. در سطور گذشته به اندازه ی کافی از قبول نویسندگان یونانی در باره ی آداب و رسوم ایرانی که بر پایه ی روح گذشته و اعصاب است. به بیگانگان عدالتخواهی و مساوات طلبی نباشد است. سخن کشیم: «از این نواهد نتیجه می گیریم که مجموعه ی این آداب و عادات نادین مدون یا غیر مدونی به وجود آمده که قانون اساسی امپراتوری ایران به شمار می رفت. به گفته ی گیشرمن می توان حکومتی بدون استخوانبندی قانونی ایجاد کرد؛ در یوشودین که این مورد نیز کوهانی نکرد.

گوستینو، ریشه ی تمدن را در آسیا می داند و معتقد است که اگر آسیا نبود اوج هیچ نداشت، درباره ی این نویسد: «ایران با قدرتمندترین کشوری است که صاحب یک حکومت بوده است که در ادب و ادیان ارائه داده است که: «قانون به دراز رزین روت یوسمت گاونوشته می شد و در اجزین نوشته هادر نگاهداری می شد. اما اهرمین بیدگار، اسکندر شارر را وادار کرد تا کتابهای قانون را بسوزاند. اسکندر، بجزدان را نابود کرد، قانوندانان و دانشمندان کشور ایران را کشت و میان درگان بندر کینه و نفاق پاشید... هنگامی که مردم

گسترش دین زرتشتی در چین

پس از برگزیده شدن اشوزرشت به پامپیری و گسترش دین دینی در قلمروی فرمانروایی گشتاسب شاه کیانی واقع در حاشیه خاوری فلات ایران که شامل سیستان، زابل و دره هیرمند می گردید دین زرتشتی به تدریج به سوی شرق و در مرکز فلات ایران که در آن هنگام ساسکین غیر آریایی داشت به علت وجود موانع طبیعی مانند کوه ها و کوهرا و جنگل ها خیلی دیرتر انجام شد. در کده سی و یکم فروردین پشت در بین نام های مردان و زنان ایرانی و غیر ایرانی ستایش شده به نام های سننا (سینا) Saena، از چین یوشودین فریانا (فریان تورانی Fryana)، Yoishit-، از توران و گنوتومه (Gautamaha)، از کشور هند، که نام گنوتومه در یک ودا کتاب مقدس هندوارن نیز آمده است. می نویسد:

نخستین گسترش های کیش یکی در اوایل دوران پس گناهیایی (Past Gathic)، که بین سال های ۱۲۰۰ تا ۵۵۰- پیش از میلاد می باشد. توسط بازرگانان تورانی زرتشتی ساکن در نواحی شمال خاوری ایران آن زمان. که اکنون شامل ترکمنستان، جنوب قزاقستان و ازبکستان است. در طول جاده ابریشم به طرف فلات پامیر و فراسوی آن تا جاگنگ آن Chang-an و یا شیان Xian، امروزی واقع در شمال خاوری چین صورت گرفت. این بازرگانان زرتشتی خانواده ها و همچنین موبدان خود را نیز با خود همراه می بردند و در طول جاده ابریشم کیش های کثیفی (کنفی/colony) را تشکیل دادند تا بتوانند به تسلی خاطر این راه را طولانی کرده به بازرگانی خود را به انجام برسانند. به مردم زمان این بازرگانان با اهالی بومی مرزود و مزراوحت نموده و همچنین میوه و همراه آن به آموزش دین بهی در بین اهالی بومی محل پرداختند.

شاهدان کوش دید زرتشتی در چین بر اثر کاروان های باستان شناسی سر هارولد بلو (Sir Harold Bailey) در نواحی جین، گاشتر و حوزو، تاریم استان سین کیانگ چین امروزی به دست آمده است. این نشان نشان می دهد که عقاید زرتشتی پیش از طول جاده های سیار در آن نواحی جاری بوده است. همچنین ا فروری در مقاله ای تحت عنوان «زرتشتیگری در چین» که در مجله فرانسه زبان «... مجله تهران» شماره سپتامبر ۱۹۶۷ به وجود یک پیشینه ی جلیب چنینی Logograph، به نام سی. ای. پینشن بیانگ وانگ (S. C. Pienpang) به دوره فرماوینی امپراتور سیانگ Wang Mang، بین سال های ۵۷۱ تا ۵۶۵ پیش از میلاد از سلسله سلطنتین (Chou)، مستقر در شمال چین اشاره می کند که این مخصوصا از قومیت باستان زرتشتی در چین است. در این زمان های شمال چین از نظیر کشف سیموسین سلابو دارد و این نشان از روح کیش بهی در مردم بومی چین علاوه بر بازمندگان بازرگانان زرتشتی اولیه دارد. همچنین پیروان «S. Sansom» در کتاب خود تحت عنوان «The Sino-Iranian» که تعدادی از امپراتوران وی Wei و این سلسله سلطنتین، Sui، به سال های ۶۱۸ تا ۶۱۸ پیش از میلاد به دور زرتشتی گردیده بودند و چین و ایران از سپریتوی امروزی زرتشتیان گارده بودند که در نزد نشان از - در تعداد قابل ملاحظه زرتشتی در بین اتباع آنان دارد. علاوه بر موارد بالا آن گونه که از مدارک تاریخی می آید بزرگدوم سوم آخرین ساداسا ساسانی پیروز که در زبان چین می یازد «Pihouss» گفته می شود که در حدود سال ۶۵۰ میلادی برای ارتش کمک نظامی به نزد امپراتور «Tang» در ناحیه جاگنگ (کنفی شمالی امروزی) فرستاد. و همانگونه که در تاریخ کتاب نشان می آید و در نتیجه پیروز و ایقینانده ایران به چین بازگشتند و در ناحیه جاگنگ. این دولت ارتش برای تجدید ایجاد کردند و آتشکده نیز در حدود ۲۰۰ سال پس از او برپا شده و دانشمندی در تبعی این دوران تعداد آنان نیز زافراش یافت. حتی تا امروز چینی های ساکن در آن ناحیه هم دارای نام خانوادگی «Liuhui» و «Hui» هستند در بازرگانان آن دسته از ایرانیان می داند، شواهد تاریخی دیگری که بوسلیه سر هارولد بلیل ارائه شده اند نیز دلالت بر رواج دین بهی دست کم تا سال ۱۲۷۹ میلادی دارند. همچنین سوادوسی تاریخ نگر نیز حکایت از مشاهده آتشکده های متعدد در نواحی فوق الذکر می نماید. اگر چینی های زرتشتی هند قابل ملاحظه ای نبودند نیازی به ساختن و برپا نگه داشتن آتشکده های آن به نظر نمی آید. مختلف بیندانشند. به طور کلی کیش چنین بر این حدس می خورد که پیروان برای خود دو مزار عالی و با پیشتر با هم بود و در سلسله میلااد در چین برای جریج بوده است. «استیلا علت سبب از وجود زرتشتیان این است که این تاریخ در پیشش موعولان بوده است همانگونه که در این تاریخ زرتشتیان در اثر هجوم موعولان به مصیبت نشان شده گرفتار شدند و آتشکده ایشان ویران گردید. و تنها عده قلیبی از آنان توانستند از کشتار جان سالم بردند و تا امروز با تحمل بدبانه مشقات و گرفتاریهای کوبناگوار، در طول سده ها تحمل کنند و آتشکده های روضش و کیش امورا داده زرتشتی را در مهد اشوزرشت هم چنانجا با بر جا و زنده نگاه دارند.

درد بر همت اولیا و پامیرنشینان، منبع، فصلنامه هلال مهی ۷۷، نوشته: ادی. جی. داور. تلخیص و بر گردان به فارسی: شهزاد لهراسب

نظری در اثر رسیده از یونان بود. به این ترتیب است که شما می بینید مثلا خورزمی کی کتاب می نویسد به نام الجیر و القورله، و در مقدمه اش توضیح می دهد که ما در محاسبات به مشکلاتی برخوردیم که کنیم بعد آنها را با طرف کرد، به آن مناسبت من این کتاب را نوشتم. بعد وقتی کتاب را می خواندیم می بینید که ریاضیات محض و ریاضیات نظری است که مردم نیمه دوم کتاب می گوید که این مسایل برای ایرانیان کشف می کرد در بسیاری از وصیت ها و در مواردی از تقریب تا مسائلی که مواجه بودند که نمی توانستند حل کنند. حالا می توانیم حل کنیم. آن وقت شروع می کند به مثال های خاص و موارد بیان آنها را به معادلات درجه اول و درجه دوم ارجاع می دهد و با آرای روشی که پیشش اثر کتاب توضیح داده است مسایل را حل می کند. پس سعی کرد ریاضیات است، اما استقبال و استدلال فراموش شده است.

اگر این گونه کتاب ریاضیات را بررسی کنیم اولیچ هم ملت ها به جای خود محفوظ می ماند. دوما به آنچه من خود می گویم که مهم است یعنی جایگاه ریاضیات ایرانی در تاریخ مشخص می شود. ریاضیات ایرانی به اعتقاد من در یک دوره کامل تکامل ریاضیات را در تاریخ ریاضیات به خود اختصاص داده است.

شاید برایتان جالب باشد که یکی دو سال پیش در همین نزدیکی تهران یکی از دوستانم می خواست آنجا زمین بخرد که یک زمین مناسب بود که انواع ضلع ها را و اوپوه را در داشت به من گفت محاسبات این زمین را حساب کن. محاسبه هم وقت هم گفتم همه این اوپوه ها و ضلع ها را باید اندازه بگیرم و بعد محاسبه نمایم. یکی که دهقان آنجا بود سوادم به ندانست گفت آقا این حساب منی کنم و با همان روش قدیم او - ضلع را بر مایه جیب کند. نصف آن دو ضلع دیگر را بر مایه ضرب کرد و بقیه را هم عمل کرد و گفت این زمین این قدر است. من بعدا رفتم تا محلی که داشت با دقت محاسبه کردم و یک ریاضی من سه هزار و پانصد متر مربع این دهقان فقط دو متر اشتباه کرده بود که اصلا قابل اهمیت نیست و به آن زحمتی که محاسبه دارد نیازمیزد.

نمایم می گوید که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها به همین نحو است که مثلا این عمل ریاضی نتیجه اش این می شود دستوری می دهد یعنی فرماتی است که این شکل فرماتی و دستوری کمک می کرده علاوه بر اینکه اصول ریاضیات کاربردی کاری به استدلال ندارد، امروز هم یک مهندس کتابش را باز می کند و جدول آن گانه می کند نسبت معیار چیست؟ تا بر اساس آن عمل کند. این که این عدد و رقم از کجا در آمده فعلی مورد نیاز کاربردی او نیست. عمل ریاضی پیوسته و معلم مساله را حل می کرده و استدلال لازم نبوده است و همه نوشته ها

دوره جدید شماره ۱۲۱ شماره مسلسل ۱۲۱ شماره ۱۲۱ شهر تهران ۱۳۸۱
شماره ۱۲۱
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۲۱، طبقه دوم، پست ۱۳۸۱
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
پست الکترونیک: amrozdok@post.ir

تا نخوانی این ستون سر نوشت
در نیایی فرق بین خوب و زشت
مگر که نیکو سیرتی یابد سر نوشت
سر نوشت تو در اینجا شد نوشت

این هفته که جلسه چکاپ تک تشکیل شد، امیرزا سر جلسه نیامده بود و به جان کوچولو گفته بود چون کار داره نمیتونه بیاد و بعد جان کوچولو سرش را زیر انداخت و آهسته تر گفت: «امیرزا گفت شما چکاپی که مثل گوسفند هستید و به چوپون احتیاج دارید حالا تو این جلسه چه گلی به سر خودتون می زیند؟»
نمی دانم این چه مرضیه وقتی که یک کسی نیست شروع می کنی پشت سرش به بد و بیراه گفتن و شیر می شویی. «آدم» سینه اش را صاف کرد و گفت: «بابا من این امیرزا رو از بچگی می شناسم، وقتی مهد کودک می رفتیم میرزا کوچولو رو با من می چوپونن تو به ماشین و پرتمون می کردن. وقتی از ماشین پیاده می شدم یادم میرزا کوچولو خواب رفته بود و اشکش در می اومد.»
الزیات هم گفت: «توی مهد کودک بچه‌ها میرزا مثل کتک خورده ها می گوشه ای وای می ایستاد و همه سرش غر می زدن.»
آدم گفت: «مدرسه بگم که تو سری خود مثل تمامی بچه ها. راهنمایی و دبیرستان هم که فروشن برم. جرات هیچ کاری نداشت. اصلا تو چهار دیواری میرزا نمی دونستی حشش چیه که از حشش دفاع کنه.»
سفنیدار گفت: «سر این بی عرضگی ایش بود که از دانشگاه انداختنش بیرون. یعنی اینکه اینقدر بگم که تو سر خود کوچولو رو فرار رو فرار ترجیح داد و گفت نامردم و در میرم. حالا این آدم اومده و می خواد بشه دبیر سرپس چکاپی. از قدیم گفتن آدم به چشمی تو شهر کورا پادشاست. نمی دونم تو گروه چکاپی همه کوریم که این امیرزا بشه دبیر گروه؟»
پرچونه گفت: «چی شده تو این جلسه همتون بلبل زبون شدید، بلبه دیگه وقتی تنها می رید قاضی، راضی هم می گردید چرا وقتی خودش تو جلسه هست لال مونی می گردید و حرف نمی زدید. این ایراد ماست که جرات نداریم حرفمون رو با طرف رو در رو بزیم، ما که نفهمیدیم واقعا گروه چکاپی که قول امیرزا چوپون نیاز داره یا خیر؟ تا نظر شما چه باشد.»
فردریک باراباسوفامیک



بخشی از دعای بچه های مدرسه ای البته بعضی هاشون:

۱. خدا کنه آقای نامظمون شب قبل از اول مهر بره سالن خسروی و شام بخوره که میگه تنه تنه بیاد مدرسه!
۲. خدا کنه اگه معلمون خانه بچه اش مرخص شه یا اگه آقا هست زشش مریض شه
۳. خدا کنه مدرسون مثل آدریان یک درونی داشته باشه که معلما زوروا راه نده
۴. خدا کنه انجمن بگه می خواد مدرسون رو بازسازی کنه که ۷.۸ ماه تعطیل بشه
۵. خدا کنه بیان مثل زمین وصال در مدرسونو قفل کنن و برن.

هشتا یا

جناب مستطاب حاجی سپهر!
الدوله مکتبی
سلام علیکم،
از آنجا که طلب علوم و فنون جدید و فرنگی جهت بالا بردن آذهان و افکار کلیه ی رعایای ممالک محرومه ایران امری واجب است، بر شما نیز مفروض می باشد که شرایط مطلوب را جهت بالا بردن تاسیسات انبیه مکاتب احداث شده ی دولتی و غیر دولتی ایجاد نماید و راپورت آنرا به مرکز گزارش نمایید.
افزون بر آن دریافت هر نوع وجوبی فقط با قبوض نمز دار دولتی انجام گیرد. بر کلیه اولادات رعایا نیز دستور است که با داشتن سجل خود و معرفی نامه از بلدی و اداره تائیمات محل معاش خود برای نوشتن نامه به مکاتب جدید رونویس نمایند.
در پایانه مکاتب دار که بنده زاده را در این مقامات انتفاعی خویش ثبت نام فرمایید تا در آینده با استفاده از این آموخته کمک دستتان باشد.
رشید الوزرا

فردریک باراباسوفامیک

با خواننده گان

خانم مهدیس آبادیان یخاطر اریکاتور زیبای شما سپاسگزارم ، در آینده نزدیک آن را در چکاپ خواهد دید
میلاد درویش، دوست عزیز ، مطلب شما هم به دستم رسید ، تلاشت را ارج می نهم و درانتظار مطالب دیگرت هستم .
منتظر آثار دیگر دوستان چکاپی هستم

۱. اگر خواهی بمانی توی تهران ، بشو همراه بنده خوری دائم جلو مرغ و فسنجون ، بشو همراه بنده نادری که نشان از انجمنها ، بشو همراه بنده نداری تا یحال دشت و مندها ، بشو همراه بنده بشو همراه بنده . مکن دایم تو خنده . که اقدام تو دنده
۲. بروم آذینه با هم توی درند ، عجب آمد به یادم اوسون باغی تو بینی رنج و دردمند ، عجب آمد به یادم نمی دایم چه گس کرده خرابش ، عجب آمد به یادم که اسکندر ندیده توی خویش ، عجب آمد به یادم عجب آمد به یادم . شدم غمگین و نامدم . از این افراد خادم اردشیر کیانی

طنز تاریخی
خاله ریزه
در کتاب شوخ و طعنه آورده اند که سلطانی بود که او را کردند به خشم می آمد و هیچ سختی بر او کارساز نبود . روزی درباریان گرد هم نشستند و چاره ای اندیشیدند که اشتباهات آگاه ساخت ، که این به نفع همه باشد. سر انجام راهی پس نیکو گزیدند و آن راه راهی نبود جز طنز و شوخی . پس شوخ طبعانی را فراخواندند تا با مزاح و خنده ، عیب و لایس را بازگو کنند. این کار آغاز شد و همه خرسند بودند چون علاوه بر خنده و تفریح آنچه را که می خواستند بگویند، بی برده و بی هراس بازگو می کردند. اول عکس العمل چندانی از سلطان نشی به گروهی از مردمان به منظوری طعام داد . طنز گویان این نکته را در طنزشان گفتند که - نگاه سلطان به خشم آمد و مزاح و شوخی را غیر ضروری و غیر مفید خواند و فرمان داد تا جاداران سن از طنز گویان جدا کردند و از پس در دربار هر کسی که به مزاح سخنی می گفت یا شوخی می کرد تنبیه و مجازات می شد. درباریان که عرصه را تنگ دیدند بار دیگر به رای زنی پرداختند و این بار تدبیری دیگر کردند. میگن گرفتند که ...

in your oral examination?
Father: Son, what did you do in your oral examination?
Son: Oh father, it was very good, there were 4 examiners but they couldn't remake a word from me.
پدر: پسر من امتحان شفاهت را چطور دادی؟
پسر: آه پدر عالی بود. چهار نفر متحنی آنجا بودند اما نتوانستند حتی یک کلمه از زبیر زبانم بکشند.
ترجمه و انتخاب: میترا دولیان - هندوستان

کام کام

حجرت مغز ها ناشی از کمبود امکانات است
آدم: این مغز ها را بفرستید مدارس با امکانات زرتشتیان

چگونه از فرار مغز ها جلوگیری کنیم
آدم: با بستن کلاه پشه ای ها
ب: کیل پرونده خانواده قرابان قتلهای زنجیره ای از قرنطینه زندان اوین به بند سوم آموزشگاه منتقل شده است
آدم: همه فیروز بهرام یا گشتاسب
ب: دانش ستریزان باز هم مرا از دیدار دانشجویان محروم کرده اند
سروش: آدم: بهرام از دیدن معلم و استادان خوب کار اصلاح طلبان در ایران شرح جزای با گوئیل است

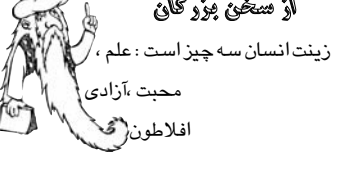
علوی تبار
آدم: کار دانش طلبان حتما بوکس بازی با گوئیلا است
۲۰ سال است ترکیب اعضای حاکمیت تغییر نکرده است
حبیب الله پیمان
آدم: عین کمیسیون آموزشی ما



شرایط تاسیس مدارس انتفاعی و غیر انتفاعی

۱. داشتن یک ساختمان مثل انباری ، گاهدانی
۲. استخدام چند معلم یا دبیر (بد اخلاقها در درجه اول استخدام می شوند)
۳. دستموشویر (در صورت وجود) حتما باید کتیف باشند
۴. حداکثر اندازی حیاط باید ۴ یا ۵ متر باشد، در صورت بزرگتر بودن حیاط مجوز تاسیس دانشگاه داده می شود.
۵. یک سربازداری یا دیوان که ورزهای زرمی را خوب بلد باشد اصلا باخنده میانه نداشته باشد
۶. داشتن معلم تربیتی خیلی خیلی با تربیت
۷. درای بودن چند جلد کتاب قصه های خوب برای بچه های خوب برای تاسیس کتابخانه مدرسه
۸. داشتن امکانات ورزشی برای بازی لی لی و گرمگرم به هوا برای دختر ها پسرها باید توی دوشان ورزش کنند
۹. سرویس برای مدارس به ازای هر ۲۰۰ نفر یک مینی بوس اجباری است
۱۰. ناشناختی برای مدیران در هنگام طرح مشکلات از دانش آموزان اجباری است
۱۱. گرفتن عوارض از دانش آموزان برای خوردن آب ، رفتن دستموشویر، حرف زدن پیش از حد طبق تعرفه های موجود
۱۲. اجرای کلاسهای تقویتی ، جبرانی و ... با هزینه دانش آموزان در راستای بالا بردن سطح علمی اجباری است
۱۳. چون مسئولان و نیمکت راحت دانش آموزان در سر کلاس به خواب فرو می برد از راحتی و تمیزی نیمکتها و صندلی ها باید جلوگیری شود

آشی ماناتوف



از سخنن پوزر گانی

زینت انسان سه چیز است ؛ علم ، محبت ، آزادی
افلاطون

اندر فواید مدرسه
البته بر همه ما روشن و آشکار است که مدرسه جای خوبی است و همه از یاد شدن مدارس خوشحال می شوند. بخصوص ما مامان که می گویند الپی مدرسه با یاد بشوند تا من از دست تو راحت بشوم، پرین خانم شوهرش هم خیلی از مدرسه تعریف می کنند و می گویند ما از موقعی که مدرسه غیر انتفاعی باز کرده ایم و ضعیفان خیلی خوب شده است ، من هم از باز شدن مدارس خیلی خوشحالم چون دیگر توی خانه می به من نمی گویند که کام پدرم هم آموزگار مدرسه است و منتظر است که مدرسه ها باز شوند تا او بتواند با گذاشتن کلاسهای تقویتی قسط ماشین جدیدش را بپردازد.
همسایه بغلی ما فریبرز خان نیز که مینی بوس دارد از باز شدن مدارس خیلی خوشحال است چون می خواهد با مینی بوس خود ۵۰ نفر را به منزلشان برساند و رکورد بزند.
آقا همانم که در کارخانه آفتابه سازی دایمی اینها کار می کند نیز از باز شدن مدارس خیلی خوشحال است چون می خواهد هله و هوله به بچه ها بفروشد تا آنها گرسنه نباشند. سر دبیر امرداد نیز از باز شدن مدارس خیلی خوشحال است چون هم از شر نوسنگان مدرسه ای راحت می شود و هم مطلب دارد که صفحه ها را ببندد. پس نتیجه می گیریم مدرسه خیلی چیز خوبی است .

ریاضت مهترم
با از صلاح و دورود خدمت شما، همانطور که در شما ۸ و ۴۰ نوشنیم موشکله طبیعی ما ل شده اصط و جای نگرانی نیست، لطرا انظ لاف شما سپاسگذارم ما رای حاله خوب رها کنبد.
ماطجدیده اهترام
عامبرضا
دبیر سرویس چوکاچوک

ادامه از تور براتو در این شماره مقدور نشد، پی گیر آن در شماره بعد باشید.

مایم و امرداد و دوسه یار و دگر هیچ
از مال جهان سایه دیوار و دگر هیچ
بوتیمت صفت غصه در این شهر ما خوردیم
داریم غم و غصه ی بسیار و دگر هیچ
هستند جوانان وطن خسته و بیکار
گوییم فقط قصه ی بسیار و دگر هیچ
هر روز که ما می شنویم قصه ی یک کار
یک فوج جوانند بی پارتی و دگر هیچ
هر روز که رفتیم بخرم یک دو قلم جنس
موشک صفت است این روز بازار و دگر هیچ
کم گوی فردریک دهن لق سخن از ارز
چون گشته دلار روز بازار و دگر هیچ
فردریک باراباسوفامیک

ضرب المثلهای
آموزی و دانش آموزی
شاکرد سیر کلاس نمی رفت ، معلم خصوصتی پرانش می گرفتند
ردی به اجرایی می گه بورت بسپاه
سال به سال درخج از شهریه ثابت دانشگاه آزاد پارسل
دانشجو تو خونه خویش نمی برد سر کلاسه در سپاهی عمومی می رفت
مدیر ثبت نام دانشگاه آزاد به غیر انتفاعی می گه روت بسپاه
قارلی و نمزه بهمش نیش دادن سراغ جیبیه بابائشو می گرفت
لای جزوه بازه حیای سر امتحان کنارفته

پروانه و آچار فرانسه شیرازی
آغاز سال تحصیلی : بازگشت گودزیلا
انصراف دانشجو: فرار به سوی پیروز
عصر دانشجو: بیروبارفته
وام ازدواج دانشجویی : هیزیه ای برای ریاب
کلاس درس عمومی دانشگاه : دیار خفتگان
ظرفیت زیاد دانشگاه آزاد: یخاطریک مشت دلار
دلیل اصلی دانشگاه رفتن : دیگران (The Others)
دانشجوی کتکخور قبول شده: نمی خوامم زنده بمانم
استاد نمره بده : بی تو هرگز

بچه ها گل آقا ویژه نامه زرتشتیان ۵ مهر ماه
منتشر می شود



ادامه از تور براتو در این شماره مقدور نشد، پی گیر آن در شماره بعد باشید.

وجود داشته باشد. ما به شخصیت په‌جا‌ه احترام بگذاریم و آن‌ها هم به وفایت خود آشنا شوند. چه در صورت شیطنت‌ها کنند حتی در خانه هم ممکن شیطنت کنند. ما این وقت‌ها بچه‌ها بوی شیطنت می‌کردیم. در این موارد ما باید به گذشته یاد بگیریم و به همین که رفتاری که ما به صورت گرفته خوب بود یا نه دوره ۹۰ تا ۹۵ تا نسبت به چه‌ها تربیت می‌کردند اما اکنون روش‌های معتقدند یا تشویق باید این کار را انجام دهیم. تشویق و تنبیه با‌زی‌با شخصیت دانش آموزان ما در حد مطالبه ما بعضی مواقع برخورد برخی از معلمان دانش آموزان این احترام متقابل را از بین می‌برد و روی روان دانش آموزان تأثیر زیادی می‌گذارد ...

بعضی اوقات برخورد یک معلم است که روی روحتان بچه‌ها تأثیر می‌گذارد ولی بعضی وقت‌ها نادم کاری‌ها و اشتباهاتی کل‌کل‌ها آموزش‌ها و تربیت با این مشکل می‌شود. اگر برخورد با نفر باشد واقعاً مشکل است شاید یکی از غلظت‌های این برخورد‌ها خود پند و ملامت باشند. ما نباید با بچه‌ها رفتار دوگانه داشته باشیم. یعنی در مدرسه یک جور رفتار کنیم و در خانه جور دیگر. من هم امیدوار هستم. این حرف‌ها بیشتر به مدرسه‌سازان و ما با این مسائل آشناییم. اما در صورت معلمی که برای سازماندهی مدرسه، همه از آگرتندی یا دانش‌آموزی نارنجک‌بند، به درد معلمی نمی‌خورند.

فکر می‌کنید در سال تحصیلی که پیش روی دارید، مهمترین دست‌انگشتی شما چه چیزهایی هستند؟

● ما این سال تمام توجه خود را روی دوره‌ی فیزیک دانشگاهی‌مان متمرکز کردیم. چون آن‌ها قسمت چندانی مطالبه و به قول بچه‌ها ما بازده دوازده ساله‌ی ما را در خود نمی‌خواهند. در این زمینه و سربلندی خود را تعیین کنیم. ما مسائلی مثل مشکلات دانشگاهی‌های ایران باید از ما می‌گذرد. ما باید یک نماینده دانش‌آموزان خانواده‌ها و معلمان صحبت کنیم تا بچه‌ها کار را نظر شخصی‌شان انجام ندهند. ما باید مراقبت از آن‌ها را در نظر بگیریم. مسائلی که از مهمترین علم‌ها در وقت‌های مدرسه تریس و تمدن استعاده به نفس آنهاست.

یکی دیگر از مشکلات ما، مشکل سوالات دینی در کشور است. فکر می‌کنم این وظیفه‌ی اینجمن زرتشتیان تهران و استان‌های است که معضل سوالات دینی را حل کنند و ما هم وظیفه داریم این موضوع را پیگیری کنیم.

● مشکل سوالات دینی چیست؟ حجم سوالات در خانه‌های دانش‌آموزان زیاد است؟ سوالات از کتاب‌های دینی طرح نمی‌شوند؟

● طبق اعلام سازمان ستیج آموزش کشور، منبع سوالات دینی زرتشتی از کتاب‌های دوزخ و سوسم و پیش‌دانشگاهی است. اما هیچ‌یک از سوالات در این کتاب‌ها مطرح نشده‌اند. در حالی‌که این درس فریب ۳ ما دارد. پیش از این چند نفر از میادون و همکیشان دانشگاهی برای اوقات طلاری‌ها خود بودند. برای سوالات از کتاب طلاری طرح شده و یک سری سوال جدید از کتاب‌های دینی طراحی شده که بچه‌ها در آن‌ها ضعیف‌تر شدند. چون یک سوال دو از سوالات ایشان در کشور بسیار زیاد است. گذشتار معلمان دینی باید این سوالات را طراحی کنند چون صلاح معلمان دانش‌آموزان می‌دانند.

● برای بیان ضمن زرتشتی‌پروزی و دانشگاهی برای شما و اینجمن زرتشتیان در این مقام مردمی باشید، اگر محبتی دارد بفرمایید.

● همه باید از یک جمع جامعه زرتشتی و کلام جامعه‌ی ایرانی موفق باشند. چون در هر صورت ما هر زرتشتی هستیم و همه ایرانی و موفقیت و سربلندی ایرانی، موفقیت و سربلندی ما است. در شما هم به خاطر وفایت و اطلاع‌رسانی و خبررسانی که در عهده گرفته‌اید مسائلی که برای ما و امیدوار توانیم همکاری‌های بیشتر داشته باشیم.

● ما هم از شما بسیار سزاگزاریم.

● واکم را خاموش می‌کنیم. در ساعت حرف زده‌ایم. وقتی در خارج می‌شود، آرزوی من که همه این ایده‌ها و حرف‌ها تحقق یابد! ...

بگیرد. مدیر مدرسه هم همین وضعیت را دارد. دانش‌آموزان مدرسه باید نظر خود را درباره‌ی رفتار خود ابراه کنند.

● اصلاً در محیط آموزشی نمی‌شود که ما هر مورد دیرین با مدیر نظر خواهی کرد. در دانشگاه‌ها این کار انجام می‌شد که از اسامال این طرح منتفی می‌شود. بچه‌ها با این‌ها شایسته‌ها با معلم باسین می‌آند. از بچه‌ها هم‌ها نمی‌شود پرسید که فلا‌ن معلم با مدیر ما می‌خواهد یا نه؟ ولی من فکر می‌کنم این کار را باید از این هم‌ها وقت مدیری می‌آند، هیچ کس نمی‌توانست درباره‌ی او نظری بدهد و اصلاً اطلاع‌ها هم از سابقه‌ی او نداشتیم.

● شما گفتید که به خاطر جامعه‌ی زرتشتی این کار را پذیرفتید، حالا که این کار انجام شده آیا انگیزه‌ی بی‌هم در شما برای این کار به وجود آمده است؟

● ببینید، شما قبلاً نوشته بودید که من با جایگزین‌پذیرفته‌ام، چیزی وجود ندارد، مثلاً همین نشریه‌ی از امرداد تمام وقت‌ها را گرفته‌ام. چرا این کار را می‌کنید؟ چون یک حرف مذهبی دارید و می‌خواهید برای جامعه خدمت کنید. من هم همین‌طور هستم. این حرف مذهبی که در ما وجود دارد، ما را به خدمت می‌کشاند. مثلاً من تا پیش از این فقط دو روز در هفته برای تریس به دانشگاه می‌رفتم و بقیه‌ی هفته را برای مردم کار می‌کردم ولی این مجبور هم روز هفته اینجا باشم، این اجبار نیست. این حرف مذهبی است که ما را وادار به خدمت می‌کند.

● اما این کار سهولیت هم دارد. اگر خدای نکرده در مدرسه افتی به وجود بیاید سهولت هستند.

● این طبیعی است، بکنی که به مدرسه‌ی ما در آن روزها وارد کرده باشم همه زاری‌اند و من باید این رضایت را افزایش دهم و این امیدواری‌ها درم که اولیا هم به من کمک کنند.

● از چه زمانی فعالیت خود را در فیروز بهرام آغاز کردید؟

● اولاً ما در دوم شهریور ماه گرفتیم ولی من از چهارم شهریور ماه کار خود را آغاز کردم. برای سال آینده بزرگ‌تر می‌هم کرده‌ام که ...

● سبب، سبب، سبب، سبب، که از خواسته‌ی جامعه را بر آورده‌اند. هر معلمی که آورده پرس و جو کرده‌ام. چه آن‌ها خیلی که در مدرسه بودند و چه آنهایی که تازه آمده‌اند. خیلی بررسی کردم سعی کردم تا معلمان سطح بالایی را به مدرسه برسانم. هر یک از معلمان در زمینه‌ی خود مطالعه زیاد موفق نیستم. چون تنها یک ماه مانده به سال تحصیلی آغاز به کار کردم. ولی در حد توان معلمان خوبی که بودند. اگر حفظ کردیم و سعی کردیم که جامعه از آن‌ها ناراضی بود، تغییر دادم.

● عده‌ای گفته‌اند که مدیر مسائلی هم با رابطه‌هایی که در گذشته داشتید به اصلاح برش بیشتر در دسترس است، آیا درست است؟

● نفوذ توسط معلمان در این‌ها که سیاست‌هاست چه باشد و در منطقه چگونه رفتار کنید. این مدیر می‌شوند در منطقه درست رفتار کنند و سیاست خودشان را داشته باشد، همه حرف‌ها را می‌خوانند. فرقی نمی‌کند که مدیر زرتشتی باشی یا مسلمان.

● مشکلی که سال گذشته وجود داشت و آقای قاضی هم به آن اشاره کردند، وجود رابطه‌ی مدرسه‌ی با بعضی از معلمان در مدرسه‌ی خود را صاحب می‌کنند. شما با این مشکل چگونه برخورد می‌کنید.

● ما با این‌ها با تمام نیمان صحبت کرده‌ام. نظرات اولیا را هم به آن‌ها گفته‌ام. امیدوارم که در سال آینده این مشکل را نداشته باشیم و در محیطی دوستانه تمام مسائل حل شود.

● اما اگر مشکلی به وجود آمد؟

● من فکر نمی‌کنم که معلمی باشد زرتشتی باشد و جامعه‌ی خود را دوست نداشته باشد. اگر چنین فردی باشد نادم آن معلم زرتشتی نیست. هر کسی که می‌خواهد باشد، برای دانش‌آموزان خاصی فکر می‌کنند؟

● دانش‌آموزان وظیفه‌ی ما دیرینان است. دیگر بچه‌ها نیستند، تخصص‌ها در دیرینان متکلی می‌گیرد. سعی می‌کنم در مدرسه احترام متقابل

باید فرهنگ مطالعه در جامعه به وجود آید. وقتی ما از یک طرف به مادیات، ساختمان و ساختمان سازی توجه می‌کنیم. چگونه می‌توانیم توقع داشته باشیم که جوان ما اهل مطالعه باشد؟

● ما باید توانیم در جوان ام‌دواری‌ها به وجود بیاوریم. همین‌ها درک در این مسابقات نوعی ام‌دواری‌ها بدهد می‌آورد.

● جوان زرتشتی نوعی ترس نسبت به جامعه‌ی بیرون دارد که باز هم به دلیل همین بسته بودن محیط است. انتظار فکر نمی‌کنند؟

● ولی آیا تنها یک مدیر غیر زرتشتی می‌تواند تأثیر گذار باشد در حالی‌که تمام دیربان و دانش‌آموزان زرتشتی هستند؟

● همین‌ها این‌ها مانند دره‌های بودند که یکی یکی بسته شدند و ارتباط ما را با جامعه بیرون کمتر کردند.

● ولی فکر می‌کنم که این دیگر این مساله وجود ندارد. ۲۰ تا ۳۰ سال پیش که من خودم درس می‌خواندم مساله‌ی زرتشتی و مسلمان و مسیحی و... وجود داشت اما امروز دیگر این مشکل مطرح نیست.

● بهتر است بحث را عوض کنیم، امسال کمیسون بهرام تغییر کند. آقای دیستانی هم این تلاش را داشتند. اما این‌ها و آخر به نظر می‌رسید که امسال هم اتفاقی نخواهد افتاد. ولی بعد از حدود یک ماه سکوت، ناگهان خبر آمد که مدیر خودی شده‌اند. چه اتفاقی افتاد؟

● کمیسون آموزشی بحث مدیریت فیروز بهرام را در هیات مدیره مطرح کرد، هیات مدیره این‌ها را تصویب کرد چون خواست آن‌ها بود و به آقای دیستانی انکاس داد. چون مسائل اداری جامعه بیشتر از طریق نمایندگی می‌شود. آقای دیستانی به مدیر پیوست. ولی تا آموزش و پرورش این مساله را مساله‌ی ما برای خود نمی‌دانند. وگرنه به آقای دیستانی از این‌ها خیال می‌کردند چون در آن‌ها هیچ‌یک از مسائل جامعه و انجمن بود. این کار نتیجه تلاش خواست دیربان و زرتشتیان تهران بود.

● یک مدیر زرتشتی برای مدیر غیر زرتشتی می‌گزیند می‌شود. هر مدیری که رسید که اولیا مدرسه هم می‌توانند در این انتخاب نقش داشته باشند و نظرات خود را ابراه دهند. آیا اولیا این طور که باید این نقش را ایفا کردند؟

● اولیا این‌ها در حد توان خودشان نداشتند، چون امکان این کار نبود. ولی اینجمن از تهران نماینده‌ی جامعه زرتشتی تهران است و وقتی اختیار تصویب کرد، یعنی کل جامعه زرتشتی آن را پذیرفته‌اند.

● یک مدیر زرتشتی برای مدیر غیر زرتشتی می‌گزیند می‌شود. هر مدیری که رسید که اولیا مدرسه هم می‌توانند در این انتخاب نقش داشته باشند و نظرات خود را ابراه دهند. آیا اولیا این طور که باید این نقش را ایفا کردند؟

● این مساله درست است، اما معلمی مسائل هم وجود دارند که اولیا باید و پدر و مادر این دانش‌آموزان در جریان آن هستند.

● در این مورد هم پیش از این چند نفر از اعضای انجمن اولیا و مربیان فیروز بهرام به صورت خصوصی درباره‌ی این موضوع با مدیران صحبت کرده بودند.

● ولی باز هم فکر می‌کنید که مدیر نمی‌تواند در این انتخاب داشته‌اند؟

● ببینید دیربان‌ها و نظارتی که از مدرسه‌ی این کار دارید، بر خود نیاندی‌ها بچه‌ها نداشته باشند و آن‌ها خوب کار نکنند. اولیا خیلی هستند، اما این‌ها در حد توان خودشان هستند. نظارتی که اولیا در هر مدرسه دارند، در هر مدرسه‌ی خودشان نظارتی برای پاره‌های مختلف در هر مدرسه‌ی خودشان است. یک مدیر زرتشتی باید در هر مدرسه‌ی خودشان نظارتی برای پاره‌های مختلف در هر مدرسه‌ی خودشان است. یک مدیر زرتشتی باید در هر مدرسه‌ی خودشان نظارتی برای پاره‌های مختلف در هر مدرسه‌ی خودشان است. یک مدیر زرتشتی باید در هر مدرسه‌ی خودشان نظارتی برای پاره‌های مختلف در هر مدرسه‌ی خودشان است.

● من به خاطر اینکه این مدارس هم مدیر زرتشتی داشته باشند، اما این کار را کردم. مدیر زرتشتی تنها وظیفه‌ی این است که سطح علمی مدرسه و دانش‌آموزان را بالا ببرد. اگر من موفق باشم، جامعه زرتشتی هم باید موفق کند، چه با انتقاد و چه با نظر دادن. فیروز بهرام بهرام سابقه‌ی درخشانی دارد. یک سیاهی که در دانش‌اند سال‌ها به امید حذف دارد تا دوم دی ماه امسال تمام‌تیم من برای برار جشن بگیریم.

● در جامعه‌ی این بحث مطرح بود که برگزیندن مدیر زرتشتی برای یک مدرسه زرتشتی، جامعه‌ی ما را از پشت بسته نمی‌کند؟

● بستن چه نظر؟

● از همه نظر، برای مثال فرض کنید در یک مدرسه زرتشتی که همه‌ی دانش‌آموزان زرتشتی هستند، کسی از دانش‌آموزان ما نمی‌تواند در کار شرکتی می‌بندی و یا سدره می‌بندی؟ اما این پرستی در مدرسه غیر زرتشتی پوشش خود خواهد شد که این باعث به وجود آمدن گروه‌ی در آن دانش‌آموز مشغول به تحصیل در مدرسه‌ی غیر زرتشتی می‌شود.

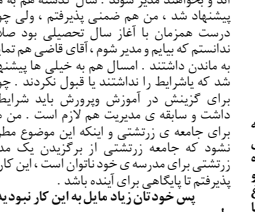
● سبب، سبب، سبب، سبب، این صحبت از یک نظر درست است. من هم سعی کرده‌ام که محیط را بسته نکنیم. یکی به هرمانس مدرسه‌ساز هستند. اما مساله‌ی این مهم این است که در جامعه‌ی ما افراد به مطالعه‌ی ما علاقه می‌ندازند. ما هم در نظر داریم تا هر یک ماه گروهی‌هایی جوانان زرتشتی داشته باشیم. در این گروه‌ها‌ها سوالاتی برای پاره‌های مختلف در هر مدرسه‌ی خودشان مطرح می‌کنیم تا دانش‌آموزان در هر مدرسه‌ی خودشان نظارتی برای پاره‌های مختلف در هر مدرسه‌ی خودشان است. یک مدیر زرتشتی باید در هر مدرسه‌ی خودشان نظارتی برای پاره‌های مختلف در هر مدرسه‌ی خودشان است.



کیوان مهر



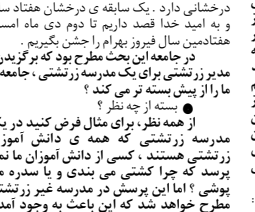
برای



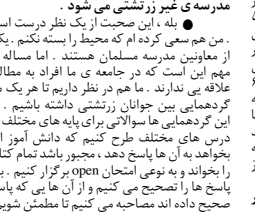
باید



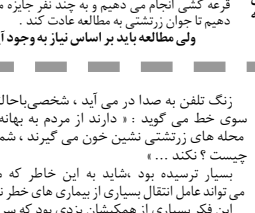
گذاری



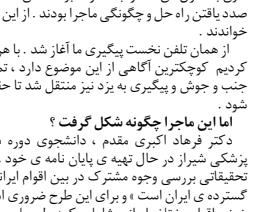
باید



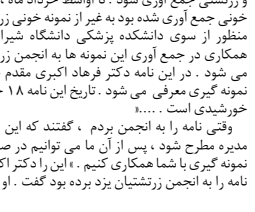
گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



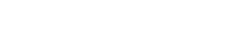
گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذاری



باید



گذ

